


مدت امتحان : ۱۰۰ دقیقه تاریخ امتحان: ۱۴۰۱/۱۰/۱۳ تعداد صفحه : ۴ تعداد سوال: ۷ ساعت امتحان:	بسمه تعالی  مدیریت آموزش و پرورش شهرستان کاشمر دبیرستان امام حسین (ع) دوره دوم	نام و نام خانوادگی: نام درس: نگارش ۲ کد درس: پایه : یازدهم رشته: تجربی طراح : خانم پهلوان زاده
بارم	ع.ع	
۰/۵	<p>۱ باز شناسی (۲)</p> <p>عبارات درست را با (ص) و نادرست را با (غ) مشخص نمایید.</p> <p>الف- «مدتی بود که پیرمرد افتاده بود اما نه لاغر شده بود. نه رنگش برگشته بود؛ فقط پاهایش باد کرده بود و از زنی سخن می گفت که وقتی یوش بوده اند، برای خدمت او می آمده، می نشسته و مثل جغد او را می پاییده ...» (بیانگر وضعیت رفتاری شخص است.) ( )</p> <p>ب- «در این حال وضع من تماشایی بود. قیافه ی یغورم، صورت درشتم، بینی گردن کش و دراز و عقابی ام، هیچ کدام، با عینک بادامی شیشه ی کوچک جور نبود.» (متن تولیدی به روش گسترش محتوای شخصیت است.) ( )</p>	
۰/۵	<p>۲ اگر ساختار یک طرح نوشته را بخواهیم در قالب یک نمودار مشخص کنیم کدام گزینه نشان دهنده اجزای این طرح ساختارنوشته، به ترتیب است ؟</p> <p>الف- عنوان نوشته، بند مقدمه، بند جمع بندی، بند بدنه</p> <p>ب- عنوان نوشته، بند نتیجه گیری، بند مقدمه، بند بدنه</p> <p>پ-عنوان نوشته، بند مقدمه،بند بدنه، بند جمع بندی</p> <p>ث-عنوان نوشته،بند بدنه، بند مقدمه ، بند جمع بندی</p>	
۱	<p>۳</p> <p>متن زیر را بخوانید سپس زمان و مکان را شرح دهید.</p> <p>یکی از روزهای شهریور سال ۹۴ همراه پدر بزرگم به دامن طبیعت پناه بردیم. این روز برای من به یاد ماندنی شد. پدر بزرگم مانند یک آموزگار مهم ترین درس زندگی را به من آموخت. آموختم، کوه یعنی با هم بودن کسی نباید از دیگران پیشی بگیرد . گروه باید با هم حرکت کنند. باید به طبیعت احترام بگذاریم. طبیعت بکر و زیبا ، تنفس هوای پاک ، گل های خودرو دامنه کوه، چشمه آب روان و ... تا مدت ها در ذهنم باقی ماند و سخنان ناب پدر بزرگم که نگرش و نگاه مرا تغییر داد.</p> <p style="text-align: right;">زمان :</p> <p style="text-align: right;">مکان:</p>	

۱	<p>سازه های نوشتاری (۴)</p> <p>درک و دریافت خود را از شعر زیر بنویسید.</p> <p>با بدن کم نشین که صحبت بد      گرچه پاکی، تو را پلید کند آفتابی بدین بزرگی را      لکه ای ابر، ناپدید کند</p>	۴
۱	<p><b>حکایت نگاری</b></p> <p>حکایت زیر را بخوانید و آن را به زبان ساده باز نویسی کنید.</p> <p>فاضلی به یکی از دوستان صاحب راز خود نامه می نوشت. شخصی پهلوی او نشسته بود و به گوشه چشم نوشته او را می خواند. بروی دشوار آمد، بنوشت: «اگر در پهلوی من دزدی ننشسته بودی و نوشته مرا نمی خواندی، همه اسرار خود بنوشتی!» آن شخص گفت: «والله من نامه تو را نمی خواندم.»</p> <p>گفت: «ای نادان! پس از کجا دانستی که یاد تو در نامه است؟!»</p>	۵
۲	<p><b>مثل نویسی</b></p> <p>از بین ضرب المثل های زیر یک مورد را به دلخواه انتخاب کنید و آن را گسترش دهید.</p> <p>الف) بار کج به منزل نمی رسد      ب) از تو حرکت از خدا برکت</p>	۶





